info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۱۸۳
شنبه / ۲۸ آبان / ۱۴۰۱
۲۴ / ربیع الثانی / ۱۴۴۴
19 / November / 2022

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کافون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۳۸۳۸-۳۲۵۳۴۳۴۳-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۵۸/۲۳
چاپ: کارگر

خواجه عبدالله انصاری

امروز با حافظ

عرضه کردم دو جهان بر دل کارافتاده
بجز از عشق تو باقی همه فانی دانست
آن شد اکنون که ز ابنای عوام اندیشم
محتسب نیز در این عیش نهانی دانست

خواجه

شبی و شمعی و جمعی چه خوش بود تا روز
نظر به روی تو کوری چشم اعدا را

سعدی

اذان کویر

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۱۹	۰۶:۴۶	۱۱:۵۱	۱۶:۵۶	۱۷:۱۵

برگه

وقتی غمگین هستید، دنیا شما را به مسخره می گیرد. وقتی خوشحالید، دنیا به شما لبخند می زند؛ اما وقتی دیگران را خوشحال می کنید، دنیا به شما تعظیم می کند

چارلی چاپلین

گزارش روز

۶ نکته درباره خودمان در دنیای ۸ میلیارد نفری!

به گزارش پیام آشنا: در یادداشتی در عصر ایران آمده است: «جمعیت جهان از امروز هشت میلیارد نفر است و البته در همین لحظه که من می‌نویسم یا شما می‌خوانید کسانی چشم از جهان فروبستند و نوزادانی دیده به دنیا گشودند. هشت میلیارد دری شدن شمار نفوس دنیا اما نکتهٔ قابل تأملی است و می‌توان در آن درنگ کرد و آن را تنها یک عدد نینگاشت.

برخی از این نکات در خبر سازمان ملل آمده و بعضی را از منظرهای دیگر یادآور می‌شوم. نکته نخست اینکه ۷۴ سال قبل جمعیت جهان ۲۵ میلیارد نفر بوده و این افزایش بی‌سابقه و شگفت‌انگیز است. ۵ میلیارد نفر کجا و هشت میلیارد کنونی کجا؟ بی‌تردید این رشد به خاطر پیشرفت‌های شگرف در بهداشت عمومی و فردی، تغذیه و پزشکی است؛ هر چند همین رشد چالش‌های بزرگی را برای فقیرترین کشورها ایجاد کرده است. دوم یادمان باشد جمعیت کرهٔ زمین تا سال ۱۸۰۰ یعنی ۲۲۰ سال قبل کمتر از یک میلیارد نفر بود و ظرف همین ۱۲ سال پیش به هفت میلیارد نفر رسید و طی تنها ۱۲ سال به امروز رسیدیم: هشت میلیارد نفر. با این حال پیش‌بینی می‌شود ۱۵ سال طول می‌کشد تا جمعیت جهان به ۹ میلیارد نفر برسد. سازمان ملل همچنین پیش‌بینی کرده در دهه ۲۰۸۰ جمعیت زمین از ۱۰ میلیارد نفر عبور کند و سپس تا پایان قرن، رکود داشته باشد.

این نکات اما در خبر آمده بود و خودمان هم مستقلا منتشر کردیم. منظور این یادداشت شش نکتهٔ دیگر است:

نخست

اینکه جمعیت ما تقریبا یک‌درصد جمعیت دنیا و مساحت ما یک‌درصد خشکی‌هاست. (چون از ۸۰ میلیون فراتر رفته‌ایم کمی کمتر از یک‌درصد و درباره مساحت هم ۱.۶۴ درصد ولی همان یک درصد به فهم موضوع کمک می‌کند) اما منابع ما بسیار بیش از یک‌درصد است و از این رو مطابقهٔ سهم‌ و واقعی از حیات و امکانات به‌دهیمی‌ترین حق مردم است و نباید نگاه سیاسی و ایدئولوژیک به آن داشت. حق همهٔ ایرانیان است که سهمی داشته باشند و مطالبهٔ آن ذیل کوهی از ادعای عدالت و حرف‌های قلمبه‌سلمبه یا بی‌سروته یا تکراری و کلیشه‌ای یا توهمی یا برچسب به این و آن فروتنمی نشیند. بخشی از اعتراض مردم به خاطر این است که تصور یا حس می‌کنند دولت ما اصطلاحا «استخراجی» است یعنی تنها از منابع برداشت می‌کند ولی به‌درستی هزینه نمی‌کند یا سهم وفادارانِ بیش از معترضان و منتقدان و غیر نزدیکان است.

دوم

اینکه به تعبیر شاعر: بودن به از نبود شدن. همین که هستیم و در زمرهٔ هشت میلیارد باشندهٔ زمین به حساب می‌آییم مهم است. من و شمای زنده که موبایل و خودرو داریم از ناصرالدین‌شاهی که نمی‌دانست موبایل و خودرو چیست، چه‌بسا خوشبختتر باشیم؟ هر چند که هیچ بنی‌بشری در دنیای امروز در پاره‌ای تفریحات به گرد ناصرالدین‌شاه نمی‌رسد. اما منظور رفاهیات در مفهوم کلی آن است نه تفریحات! به تعبیر «کی بر کجا گذرم، پایه گذار اگزیستانسیالیسم، انسان موجودی معطوف‌به‌مرگ است. یعنی مردن ادعا عجیب نیست اینکه زنده‌ایم و هستیم. ولو معطوف‌به‌مرگ با فرجام قطعی مردن، مهم است. به عبارت دیگر اینکه هستیم و فردا یا پس‌فردا نیستیم عجیب نیست. عجیب این است که نبودیم و حالا هستیم. زیاد فلسفی شد؟ اما کمی به این جمله فکر کنیم!

سوم

رولف دوبلی در «هنر خوب زندگی کردن» که با ترجمهٔ عادل فردوسی‌پور به چاپ‌های متعدد رسیده، می‌نویسد: «با وجود درگیری‌های گاه‌وبیگاهمان با دست تقدیر، باید بپذیریم که طرز خارق‌العادهای خوش‌شانس هستیم. از بین تمام افرادی که روی کرهٔ زمین زندگی کرده‌اند، در حال حاضر فقط شش‌درصدشان زنده هستند. به بیان دیگر شش‌درصد از مردمی که از ۳۰۰ هزار سال پیش (از زمان پدیدایی هوموسپایی‌پنس‌ها) تا امروز به دنیا آمده‌اند، هم‌اکنون در قید حیات‌اند. بسیار محتمل بود که آن‌ها در عصر دیگری متولد شوند. در واقع احتمال آن ۹۴درصد است. خودتان را بردهای در امپراتوری روم، گیشایی در زمان سلطنت مینگ یا سقایی در مصر باستان تصور کنید! در آن شرایط چه تعدادی از استعدادهای ذاتی شما از ارزش قابل توجهی برخوردار می‌بودند؟»

چهارم

در این مملکت بنده‌خدایی هشت‌سال رییس‌جمهوری بود که حالا البته ساکت است و ادعای مدیریت جهان داشت! مهندسی خوانده بود و آدم آنقدر با عدد بیگانه بود که می‌دانست چرا باید ۹۹درصد مردم دنیا زیر مدیریت یک‌درصد جمعیت دنیا بروند؟ در این عصر البته بازمان‌های دیگر کاری نداریم. اما این توهم از کجا آمده که بقیه هشت میلیارد آدم دیگر به خطا می‌روند و ما تازه از آن هم نه همهٔ ما که بخشی از ما و تازه از آن بخشی هم باز با فرجام قطعی مردن، مهم است. به عبارت دیگر اینکه هستیم و فردا یا پس‌فردا نیستیم عجیب نیست. عجیب این است که نبودیم و حالا هستیم. زیاد فلسفی شد؟ اما کمی به این جمله فکر کنیم!

پنجم

چه منی که دارم می‌نویسم و چه شمایی که دارید می‌خوانید تنها یک نفر از هشت میلیارد آدم زنده در دنیا هستیم. اگر به نسبت کل نسل‌هایی که آمده و رفته‌اند، بگوییم که از این هم کوچک‌تر می‌شود. از این رو در عین عزت نفس نباید زیاده از حد خودمان را و به طریق اولی دیگران را جدی بگیریم! چرا که باز به قول رولف دوبلی، «هر چه هستیم مدیون زن‌ها و محیطی است که طوح اصلی ژنتیکی‌مان در آن شکل گرفته حتی سطح ما هم عمدتا توسط زن‌های ما تعیین می‌شود. اگر درون گرایم یا برون گرا، آزاداندیش یا عصبی، قابل اعتماد یا بی‌عرضه، همگی طبق این قاعده تعیین می‌شود ـ همهٔ آنچه به آن افتخار می‌کنیم حاصل ارادهٔ است که به‌واسطهٔ برآیند زن‌ها و محیط اطراف به ما رسیده است.»

ششم

بحث جمعیت که همین می‌آید در میان اندیشمندان یک نام برنرنگر است و لویی گمان «مالتوس» است؛ توماس رابرت مالتوس، متفکر انگلیسی که در سال ۱۷۶۶ چشم به جهان گشود و در سال ۱۸۳۴ در ۶۸-گلگی درگذشت و مهم‌ترین کار او این بود که نظریه جمعیت را وارد مباحث اقتصادی کرد طبق نظر او رشد محصولات مانند کشاورزی با تصاعد عددی انجام می‌شود؛ در حالی که رشد جمعیت انسان‌ها از تصاعد هندسی پیروی می‌کند. این رشدهای نامتوازن موجب تقاضای بیش از عرضه و به تبع آن قحطی، جنگ و مرگ‌ومیر و در نتیجه مرگ‌ومیر موجب کاهش تعداد افراد بشر ـ متقاضی تولیدات کشاورزی ـ می‌شود. مالتوس معتقد بود با سه روش می‌توان از رشد جمعیت جلوگیری کرد: منع یا فشار اخلاقی (عقب‌انداختن ازدواج‌ها)، کنترل جمعیت از طریق برنامه تنظیم خانواده، فقر و گرسنگی. پیش‌بینی او البته تحقق نیافت چون در محاسبات خود نقش حیرت‌آور فناوری در رشد اقتصادی و پیشرفت جامعه را منظور نکرده بود و هشت‌میلیارد‌ی‌شدن جمعیت دنیا به رغم قحطی و جنگ نشان می‌دهد با وجود نوآوری‌های فراوان و سرعت گرفتن آن نسبت به سرعت تولید مثل بشر، مانع تحقق پیش‌بینی مالتوس شده تا به مدعیانی که از بام تا شام به دستاوردهای توسعه می‌تازند یادآور شد اگر فناوری‌ها نبود آدم‌ها گرسنگی و در سن کم می‌مردند یا زندگی را با رنج و درد بیماری سپری می‌کردند. زندگی را باید پاس داشت و با نگاه نو به عدالت، فرصت‌ها را برای همه ایجاد کنیم تا زندگی کنیم. زندگی چون یکبار بیشتر زندگی نمی‌کنیم و اگرچه از جمعیتی که درگیر فقر مطلق‌اند (درآمد روزانه کمتر از یک‌دوسم‌دلار) بهتر زندگی می‌کنیم اما چون با یک‌درصد جمعیت جهان زندگی می‌کنیم